

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

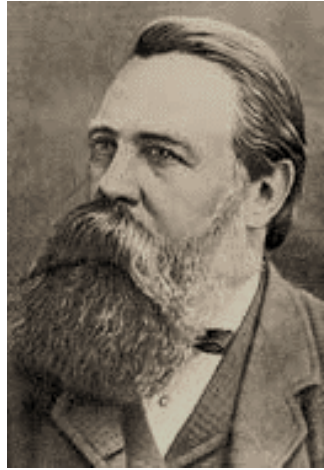
afgazad@gmail.com

Political

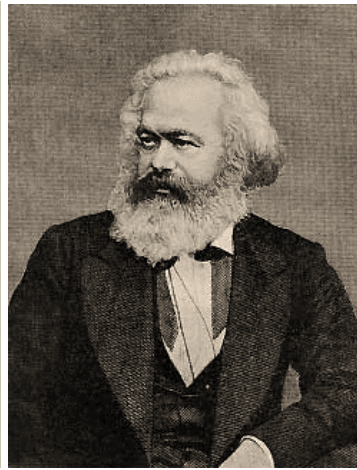
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس  
برگردان از: حمید محوی  
ویراستار پورتال: موسوی  
۲۲ جنوری ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۱۴

۲۱- کارل مارکس: گزیده ای از مقاله: انتخابات آینده در انگلستان

[در پیوند با رویدادهای چین]

لندن، ۱۳ مارچ ۱۸۵۷  
نیویورک دیلی تریبون شماره ۴۹۷۵  
۳۱ مارچ ۱۸۵۷

« آقای گرامی، بین دو مرد کلیسائی جای بگیریید، زیرا در این وضعیت من آهنگی مقدس برای شما خواهم ساخت »  
(شکسپیر. ریچارد سوم، آکت ۳، صحنه ۷)

پالمرستون به طور مشخص خودش را با پیشنهاد بوکینگهام به ریچارد سوم [در نمایشنامه شکسپیر] تطبیق نمی دهد بلکه او بین مرد کلیسا و قاچاقچی تریاک می ایستد. در حالی که کشیشهای اوانزلیست پروتستان<sup>۱</sup> و این کهنه کار شیاد با گزینش کنت شیفنسبوری<sup>۲</sup> خوشاوندش جهت کسب اعتبار برای قاچاقچیان تریاک و «سم آرامش بخش»، با خدمات وفادارانه اش ضامن کالائی شد که این همه در جهان طرفدار دارد<sup>۳</sup> بورک<sup>۴</sup> اسکاتلندی به «روز رستاخیز» در لندن ابراز افتخار می کرد.<sup>۵</sup> پالمرستون نیز مسموم کننده لیورپول بود [بی آن که اثری برجا گذاشته باشد].

این جنتمن های ظاهراً خوش زبان نمایندگان بارز شهری هستند که عناوین اشراف زاده هایش مستقیماً وارث تجارت برده است.<sup>۶</sup> لیورپول که شهرت خاصی در هنر شعر ندارد دست کم می تواند ادعا کند که در اغنای سرود بهره گشی از بردگان کوشیده است. در حالی که پیندار<sup>۷</sup> سرود پیروزمندان المپیک را با این بیت مشهور آغاز کرده و گفته است: «آب بین همه چیزها بهترین است». در این صورت می توانیم انتظار داشته باشیم که پیندار مدرنی در لیورپول به ظهور برسد و سرود بوکسورهای دان استریت را به شکل هوشمندانه تری با این مقدمه بسراید و بگوید که: «تریاک بین همه چیزها بهترین است».

به همراهی کشیش های قدیس و قاچاقچیان تریاک ملحد، بازرگانان عمده فروش چای نیز هستند که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم غالباً به داد و ستد تریاک اشتغال دارند و در نتیجه خواهان الغای قراردادهای کنونی با چین هستند. افزون بر این، آنان انگیزه های خاص دیگری نیز دارند، زیرا نظر به ماجراجویی هایشان در طول سال گذشته برای سوداگریهای عظیم روی چای، تداوم جنگ بهای انبارهای عظیمی را که در اختیار دارند افزایش خواهد داد و در عین

<sup>۱</sup> مترجم: Low Church یکی از سه تمایل پروتستانتیسم انگلستان در کنار Hight Chrch و Anglicane

<sup>۲</sup> Shaftesbury

<sup>۳</sup> مترجم: مارکس در اینجا به نمایشنامه شاه جان اکت ۱ صحنه ۱ اشاره دارد.

<sup>۴</sup> Burk

<sup>۵</sup> [شماره ۸۹ در یادداشتهای پایان کتاب اصلی].

«رستاخیز گرایان» پنهانی نبش قبر می کردند و اجساد را به آمفی تئاتر پزشکی می فروختند. ماجرای مشهور ویلیام بورک William Burke شهروند ادیمبورگ که قربانیانش را خفه می کرد بی آن که اثر جرمی بر جا بگذارد تا روشن گردد که این افراد به قتل رسیده اند، و سپس اجساد قربانیانش را از خاک بیرون می کشید، این رویداد مربوط است به سالهای ۲۰ قرن نوزدهم که این نوع کارها خیلی رایج بود.  
<sup>۶</sup> [شماره ۹۰ در یادداشتهای پایان کتاب].

اروپائی ها تقریباً استثمار بردگان را با اختراع دریانوردی بادبان پایه رها کردند زیرا کار بست بادبان نیاز به پارونها را کاهش داده بود. ولی استثمار بردگان از قرن شانزدهم دوباره نقش بزرگی داشت زیرا استعمارگران برای پاسخ گوئی به ضروریات مستعمرات جدید به نیروی کار رایگان نیاز پیدا کردند. بر این اساس اسپانیائی ها، پرتگالی ها در مناطق متصرفه خود در امریکا از طریق کار بردگان در معادن نقره و مزارع به ثروت دست یافتند. از سال ۱۷۰۰ تا ۱۸۷۰ دورانی که اوج استثمار بردگان را رقم می زند، آفریقا و به ویژه در سواحل غربی یعنی ساحل گامبی، دلتای نیجریه بهترین شکارگاه برای شکارچیان برده بود که به «بازار برده» شهرت داشت و در آنجا بود که از میانه قرن هجدهم فرانسوی ها، پرتگالی ها، هالندی ها و انگلیس ها چانه زنی می کردند و سرانجام انگلیس ها را دست بالا گرفتند. از پایان قرن هجدهم ۸۰۰۰۰ برده را در سال از آفریقا به امریکا می فرستادند. ۵۰٪ منافع عظیم این نوع داد و ستد به برده داران انگلیسی تعلق می گرفت که کشتی هایشان چهار برابر بیشتر از مجموع کشتی های رقبایشان برده حمل می کرد. از سال ۱۶۷۲ تا ۱۶۹۸ «کمپانی سلطنتی آفریقا» انحصار بهره برداری از بردگان را در اختیار داشت. در سال ۱۷۱۳ طبق قرارداد اوترخت پس از پایان بخشیدن به جنگ جانسنینی اسپانیا بین فرانسه و انگلستان، انگلستان که تا این دوره فقط در هند غربی به تجارت برده اشتغال داشت، انحصار تجارت برده در مستعمرات اسپانیا در امریکا را نیز به دست آورد. استثمار بردگان برای سرمایه داری انگلستان جهش بزرگی در برداشت و یکی از بدوی ترین امکانات تراکم ثروت را در انگلستان فراهم آورد. اروپائی ها ۸۰ میلیون برده سیاه را فروختند، ۴۰ میلیون نفر از آنان طی «شکار انسان» و یا در اثر شرایط سخت مسافرتهاى بحری از بین رفتند. لیورپول یکی از بنادر اصلی برده داران انگلیس بود که با مستعمرات اسپانیائی داد و ستد می کردند. تجارت برده در این بندر انگلیس ثروت بزرگی را نصیب بورژواهای این شهر نمود.

<sup>۷</sup> مترجم: شاعر یونانی ۵۵۲ پیش از میلاد

حال مهلت پرداخت مبالغ قابل توجهی را که باید به وام دهندگانشان در کانتون بپردازند به تأخیر خواهند انداخت. بر این اساس، جنگ به آنان اجازه خواهد که خریداران بریتانیایی و شرکت های تأمین کننده کالا و خدمات چینی را بفریبند و در نتیجه هم زمان به «افتخار ملی» و «منافع بازرگانی» تحقق بخشند. به طور کلی، کارخانه داران بریتانیایی با اصول دین لیورپول به همان دلایل والا گرایانه ای مخالف اند که بازرگانان منچستری که خواهان پنبه ارزان قیمت هستند و با جنتمن های لیورپول اختلاف پیدا می کنند زیرا آنان بالاترین قیمتها را عرضه می کنند.

طی جنگ اول انگلیس و چین که بین سال ۱۸۳۹ تا ۱۹۴۲ روی داد، کارخانه داران بریتانیایی در امید واهی گسترش صادرات خود بودند. متر به متر پارچه های پنبه ئی که اهالی امپراتوری آسمانی می بایستی به تن می کردند را اندازه گرفته بودند. ولی تجربه قفلی را که سیاستمداران طرفدار پالمستون به ذهنشان زده بودند در هم شکست. از سال ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۷، کالاهای صادراتی کارخانه داران به چین از مرز ۱۲۵۰۰۰۰ لیور استرلینگ در سال تجاوز نمی کرد، رقمی که دائماً به میزان سالهای پیش از جنگ اول انگلیس و چین می رسید.

«در واقع» همان گونه که آقای کویدن سخنگوی کارخانه داران بریتانیایی در مجلس عوام اعلام کرد «از سال ۱۹۴۲، ما (بریتانیایی ها) صادراتمان را به چین به هیچ عنوان افزایش نداده ایم و فقط مصرف چای ما افزایش یافته است. همین و بس.»

با این حساب، می بینیم که کارخانه داران بریتانیایی چشم انداز وسیعی را ترسیم کرده اند در حالی که کشیش ها، قاچاقچیان تریاک و سوداگران چای بریتانیایی در امور سیاسی با چین فاقد چنین استعدادی به نظر می رسند. بی آن که طرفداران بودجه، درخواست کنندگان صندلی، آنانی که خود را به دامن دولت می آویزند، و میهن دوستان قهوه، احمق هائی که فکر می کنند به هدایت پالمستون و طرفدارانش «ملت روحیه تازه ای خواهد یافت»، پیش از این ما همه طرفداران با وجدان پالمستون را بر شمردیم. با وجود این نباید روزنامه لندن تایمز و پانچ، کُفت کبیر<sup>۸</sup> دلقک نشریات بریتانیایی را فراموش کنیم، هر دو به دلیل وابستگی های طلائی و رسمی به دولت کنونی چشم دوخته اند و در نتیجه برای قهرمان کشتار کانتون ریاکارانه ابزار شادی می کنند. ولی سزاوار است که رأی به مجلس عوام را به مثابه شورش علیه پالمستون و به همین گونه علیه روزنامه تایمز تلقی کنیم. در نتیجه انتخابات باید تصمیم بگیرد که آیا پالمستون باید کل قدرت دولت را از آن خود سازد، و علاوه بر این آیا تایمز باید انحصار تعیین رویکرد افکار عمومی را به عهده داشته باشد؟

طبق چه اصولی پالمستون برای انتخابات عمومی فراخوان خواهد داد؟ گسترش بازرگانی با چین؟ ولی او بندری را که مناسبات بازرگانی با چین بدان بستگی داشت ویران کرده است. برای یک دوره کمابیش ادامه دارد بندرگاه را از بحر به زمین به پنج بندر در سیبری منتقل کرده است، یعنی از انگلستان به روسیه. در بریتانیا حقوق چای را افزایش داده، یعنی مهمترین مانع برای گسترش بازرگانی با چین. و امنیت بازرگانان ماجراجوی بریتانیایی؟ ولی کتاب آبی

<sup>۸</sup> [شماره ۹۱ در یادداشتهای پایان کتاب]

«Punch» پانچ، (یا the London charivari) هفته نامه فکاهی بورژوازی لیبرال. از سال ۱۸۴۱ در لندن منتشر می شود. کنت کالگیوسترو یا (Joseph Balsamo) شارلاتان شهیر قرن هجدهم خودش را به عنوان یک راهب مصری به نام کُفت کبیر (Grand Copht) معرفی می کرد که صاحب مقام ریاست «لژ ماسونیک مصری» و بنیانگذار آن بوده است. کالگیوسترو ادعا می کرد که در طی سفرش به مصر از اسرار حکمت برخوردار شده و از روح کُفت کبیر که عالم بر همه چیز و حاضر در همه جا می باشد تبعیت می کند.

زیر عنوان «نامه های مربوط به ناسزا گوئی [یا توهین] در چین»<sup>۹</sup> که توسط خود وزارتخانه به کمونها تحویل داده شده نشان می دهد که از هفت سال پیش تا کنون فقط ۶ مورد توهین وجود داشته که دو مورد آن انگلیس ها خشونت لفظی به کار برده اند و در مورد ۴ مورد بقیه، مقامات چینی همه کوشش خود را به کار بسته اند تا با مجازات متخلفان رضایت مقامات انگلیس را به دست آورند. در نتیجه اگر در حال حاضر ثروت و جان بازرگانان بریتانیایی در هونگ کونگ، سنگاپور و در جاهای دیگر به خطر افتاده، به این دلیل است که خود پالمستون چنین خطراتی را بالای سر آنان فراخوانده است. ولی حرمت پرچم بریتانیا! پالمستون آن را به بهای هر قطعه ۵۰ لیور به قاچاقچیان هونگ کونگ فروخت و آن را به «کشتار توده خریداران بی دفاع کالاهای بریتانیایی» آلوده کرد».

با وجود این، گسترش بازرگانی، حفاظت از بازرگانان ماجراجو و حرمت پرچم بریتانیا یگانه شعارهای مطرح شده در بیانیه های دولت در پیشگاه رأی دهندگان بوده است. با زیرکی سعی می کنند از مواردی که به سیاست داخلی مربوط می شود اجتناب ورزند، زیرا فریادهای «اصلاحات نه» و «باز هم مالیات بیشتر» جایز نخواهد بود. یکی از اعضای دولت پالمستون، لرد مالگریو<sup>۱۰</sup> خزانه دار خانه سلطنتی به رأی دهندگان خود اعلام کرد که «نظریه اقتصادی خاصی را پیشنهاد نمی کند». لابوشر<sup>۱۱</sup> مرد هوشمندی که طرفدار بمباران کانتون بود می گفت که اگر مجلس عوام او را ناعادل تلقی کند، در این صورت مردم انگلستان باید تقریباً ۵ میلیون لیور استرلینگ به بازرگانان خارجی که اموالشان در کانتون تخریب شده بپردازند. همین لابوشر با انکار امور سیاسی در فراخوان به رأی دهندگان شهر تاونتون فقط از اهداف خودش دفاع می کند که به کارهای مهم بورینگ، پارکز و سیمور اتکاء دارد.

اشارات یک روزنامه محلی در بریتانیا درباره پالمستون که «فریاد فراخوانش برای انتخابات چندان رسا نیست...» کاملاً حقیقت دارد. با وجود این وضعیت او به هیچ عنوان نا امید کننده نیست. از تایخ انتخابات مجلس عوام اوضاع کاملاً تغییر کرده است. خشونت محلی در کانتون به جنگ عمومی علیه چین انجامیده، و یگانه پرسشی که بر جا مانده این است که بدانیم چه کسی این جنگ را ادامه خواهد داد؟

پالمستون با مخدوش کردن چشم اندازها، می تواند خود را به عنوان مرد اجتناب ناپذیر معرفی کند.

## ۲۲- کارل مارکس : جنایات انگلیس ها در چین

نوشته ۲۲ مارچ ۱۹۵۷  
نیویورک دیلی تریبون شماره ۴۹۸۴  
۱۰ اپریل ۱۸۵۷

چند سال پیش از این وقتی اخبار دهشتناک مرتبط به اعمال شکنجه در هند به اطلاع پارلمان رسید، سر جیمز هوگ<sup>۱۲</sup> یکی از رؤسای عالی مقام و محترم کمپانی هند شرقی با صراحت کامل چنین خبرهایی را بی پایه و اساس خواند. با این

<sup>۹</sup> شماره ۹۲ در یادداشتهای پایان کتاب]

کتاب رنگ آبی (Blue Books) گزیده ای از پرونده ها در پارلمان و وزارت امور خارجی ست که از قرن هفدهم در انگلستان منتشر می شود. این کتاب منبع اصلی و رسمی تاریخ اقتصاد و مناسبات دیپلماتیک را تشکیل می دهد. مارکس کتاب آبی به نام زیر را در نظر داشته است :

« Correspondance Respecting Insults in China. Presented to the House of Commons by Command of Her Majesty, 1857 », London 1857.

<sup>10</sup> Lord Mulgrave

<sup>11</sup> Labouchère

<sup>12</sup> Sir James Hogg

وجود تحقیقات بعدی صحت روایات مزبور را تأیید کرد و حاکی از این امر بود که رؤسای کمپانی نیز بخوبی از آن آگاهی داشته اند، و سر جیمز عمداً تظاهر به بی اطلاعی کرده و در پی کتمان جنایاتی بوده است که بر دوش کمپانی سنگینی می کند. لرد پالمستون، نخست وزیر فعلی انگلستان، کنت کلارندن<sup>۱۳</sup>، وزیر امور خارجه نیز در موقعیت مساعدی به نظر نمی رسند. در آخرین ضیافتی که توسط شهردار لندن برگزار شده بود، لرد پالمستون برای توجیه شقاوت هائی که علیه چینی ها صورت گرفته اظهار داشت:

«... با وجود این، خلاف آنچه درباره این موضوع گفته شده، ما بر این باوریم که اقدامات انجام گرفته ضروری و حیاتی بوده است. ما آگاه بودیم که اتهام سنگینی روی کشور ما سنگینی می کند. ما آگاه بودیم که هم وطنان ما در بخش دور افتاده ای از جهان مورد اهانت قرار گرفته بودند و علیه آنان خشونت هائی صورت گرفته بود که نمی توانست بی پاسخ بماند. (در اینجا حضار دست می زنند) ما آگاه بودیم که حقوق رسمی که طبق قرارداد برای کشور ما باز شناخته شده بود پایمال شده بود، عکس العمل آنهایی که مأموریتشان دفاع از منافع ما در این بخش از جهان است، در برابر چنین ناسزاگویی ها و خشونت هائی، کاملاً قابل درک است. ما آگاه بودیم که اگر اقداماتی را که ضروری و سزاوار می دانستیم انجام ندهیم، به اعتمادی که شهروندان کشورمان به ما داشته اند خیانت کرده ایم. ما انجام وظیفه کردیم (در اینجا دوباره حضار دست می زنند).»

با توجه به چنین توضیحی، به هر اندازه ای که ملت انگلستان و بقیه جهان بتوانند تحت تأثیر چنین اظهارات مطلوب و حقیقت نمائی قرار گیرند، صاحب مجلس خودش چندان به آن باور ندارد، و اگر باور داشته باشد در این صورت به انکار آگاهانه و به جنایات عمدی و غیر قابل توجیهشان خیانت خواهد کرد. نخستین گزارشاتی که از درگیری های چین به دست ما رسیده، جار و جنجال هائی نیز در روزنامه های دولتی در انگلستان و بخشی از نشریات امریکائی به پا داشته که انباشته است از اتهامات متعدد علیه چین \_ اتهامات افتراء آمیز درباره زیرپا گذاشتن الزامات قرارداد، ناسزاگویی به ساحت بریتانیا، رفتارهای تحقیر آمیز علیه خارجیانی که در سرزمین آنها به سر می برند و غیره.

با وجود این هیچ یک از اتهامات به طور مشخص ارائه نشده، و هیچ واقعه ای که بتواند چنین افشاکاری هائی را تأیید کند وجود ندارد، البته به جز مورد «لورشا آرو»<sup>۱۴</sup> که در آن وقایع دروغین و در زبان تصنعی پارلمانی به شکلی ارائه شده است که هر کسی را که واقعاً بخواید بدانند چه گذشته است گمراه خواهد کرد.

لورشا آرو کشتی کوچکی ست که توسط چینی ها ساخته شده، ولی انگلیس ها آن را به خدمت گرفته بودند و مجوز موقتی نیز برای عبور و مرور این کشتی با پرچم انگلیس صادر شده بود. پیش از آن که موضوع «فحاشی» مطرح گردد، موعد مجوز مزبور به پایان رسیده بود. این کشتی توسط قاچاقچیان نمک مورد استفاده قرار می گرفت و افرادی که در آن خدمت می کردند غالباً از بزهاران و دزدان بحری بودند. مقامات چینی از مدتها پیش رد آنها را جست و جو می کردند و می خواستند آنها را بازداشت کنند. در حالی که این کشتی در ساحل کانتون بدون پرچم لنگر انداخته بود، پولیس متوجه حضور آنها شده و با موفقیت آنها را دستگیر می کند. فرایند این حادثه کاملاً مشابه با همانی ست که در بنادر ما روی می دهد، و پولیس به محض این که از مخفی گاه بزهاران و دزدان بحری در یکی از کشتی های کشور و یا بیگانه مطلع می شود، به دستگیری آنها اقدام می کند. ولی از آنجائی که در این باز داشت ظاهراً امور ملکی زیر علامت سؤال رفته و پایمال شده بود، ناخدای کشتی به کنسول انگلیس مراجعه می کند. کنسول، مرد جوانی ست که اخیراً در این پست گماشته شده، و علاوه بر این اطلاعاتی که از او داریم، فردی ست با روحیه تند و تحریک آمیز. از

<sup>13</sup> Clarendon

<sup>14</sup> Lorcha Arrow: نام یک کشتی کوچک چینی

روی عرشه کشتی به نام دفاع از مالکیت خصوصی، باب مذاکرات تهدید آمیزی را با پولیس می گشاید، در حالی که آنها تنها انجام وظیفه کرده بودند، و دعاوی او به هیچ نتیجه ای نمی رسد. با عجله به کنسولگری باز می گردد، و نامه ای برای والی کل استان کوانگ-تونگ<sup>15</sup> می نویسد و آمرانه خواستار معذرت خواهی می شود و همزمان پیامی به سر جان بورینگ و دریا سالار سیمور<sup>16</sup> به هونگ-کونگ ارسال می کند و مدعی می شود که خود او و پرچم کشورش به شکل غیر قابل تحملی مورد اهانت قرار گرفته است، و مشخصاً اظهار می دارد که آن روزی که مدتها انتظارش را می کشیدیم برای نمایش قدرت علیه کانتون فرا رسیده است.

جنرال یه با احترام و در آرامش به توقعات متکبرانۀ کنسول عصبانی و جوان بریتانیائی پاسخ می گوید، و به شرح دلایل بازداشت پرداخته و به خاطر سوء تفاهمی که در این مورد پیش آمده است اظهار تأسف می کند، و قاطعانه اظهار می دارد که نیت او به هیچ وجه توهین به پرچم بریتانیا نبوده و افرادی را هم که قانوناً دستگیر کرده است، به خاطر وخامت اوضاع حاضر نیست آنان را در بند نگهدارد. ولی چنین پاسخی به نظر آقای کنسول پارکس قانع کننده نیست، و عذر خواهی باید به شکل رسمی انجام گیرد، و استرداد حقوق بریتانیا نیز باید تحت شرایط رسمی تحقق پذیرد، در غیر این صورت والی یه باید مسئولیت نتایج آن را به عهده گیرد.

سپس آدمیرال سیمور با ناوگان انگلیس از راه می رسد و مکاتبات دیگری آغاز می شود، انعطاف ناپذیر و خشن، سرد و بی روح از جانب آدمیرال و احترام از جانب کارگزار چینی. آدمیرال در حصارهای کانتون در خواست دیدار شخصی می کند. والی یه در پاسخ می گوید که این درخواست خلاف تمام ملاقات های پیشین است و علاوه بر این سر ژرژ بنهام<sup>17</sup> پذیرفته است که چنین درخواستی نباید تحمیل گردد.

ولی با کمال میل، در صورت لزوم حاضر است با او بیرون از حصارهای شهر ملاقات کند و یا در هر مکان دیگری که آدمیرال مایل باشد شخصاً حضور به هم خواهد رساند، در صورتی که با آداب و رسوم سنتی در چین ناسازگار نباشد. ولی چنین پیشنهادی به نظر نماینده پرخاشجوی قدرت بریتانیا در شرق خوشایند نیامد.

بنابر انگیزه هائی که مختصراً شرح دادیم - و بر اساس گزارشات رسمی که به اطلاع ملت انگلیس رسیده و آن را تأیید می کند - جنگ ناعادلانه ای آغاز شد. و شهروندان بی آزار و بازرگانان صلح طلب شهر کانتون به کشتار جمعی محکوم شدند، خانه هایشان زیر آتش توپخانه ویران و حقوق بشر نیز پایمال شد، و این همه فقط به این بهانه پوشالی که مدعی بود «زندگی و اموال انگلیس ها در خطر اعمال خشنونت آمیز از سوی چینی ها قرار گرفته است»! دولت بریتانیا و ملت بریتانیا - حداقل آنانی که زحمت بررسی موضوع را به خود هموار کرده اند، می دانند که این اتهامات تا چه اندازه بی پایه و اساس است. سعی کردند توجیهات را از موضوع اصلی منحرف کنند و به اذهان عمومی بقبولانند که موارد و شکایات متعددی پیش از حادثه لورش آرو وجود داشته است و دلایل جنگ کاملاً قابل توجیه است. ولی این استدلالات متهورانه بی پایه و اساس است. شکایات چینی ها نود و نه درصد بیشتر از انگلیس ها است.

نشریات و جراید انگلستان روی نقض روزمره و آشکار قرار دادها تو سط خارجیانی که در چین زندگی می کنند و تحت الحمايه بریتانیا هستند، همواره سکوت اختیار می کنند! ما از معاملات غیر قانونی تریاک که به بهای جان انسان ها و زیر پا گذاردن اخلاق تمام می شود و درآمدهای آن سرانجام در خزانه مالی بریتانیا انباشت می گردد، هیچ اطلاعی نداریم. از بزهکاری های دائمی مأموران پائین دست و به تاراج بردن درآمد قانونی دولت چین که از طریق

<sup>15</sup> Kouang-toung

<sup>16</sup> Seymour

<sup>17</sup> Sir George Bonham

حقوق گمرکات و ورود و خروج کالا به دست می آید هیچ اطلاعی نداریم. ما از وضعیت مهاجران و ستمی که بر آنها روا می دارند هیچ اطلاعی نداریم، و هیچ اطلاعی نداریم که چگونه آنها را به حد بردگی تنزل داده و در بنادر پرو و کوبا به فروش می رسانند. ما از خشونت افسار گسیخته علیه چینی هائی که طبیعتاً صلح جو هستند هیچ اطلاعی نداریم که چگونه مصیبت و رذالت را از طریق خارجیان به بنادری وارد می کنند که برای داد و ستد گشوده اند. ما از چنین واقعیاتی و بسیاری دیگر هیچ اطلاعی نداریم، زیرا اکثر افرادی که در چین زندگی نمی کنند به ندرت از شرایط اجتماعی و امور اخلاقی این کشور اظهار نگرانی می کنند، و در ثانی از نظر سیاسی صلاح نیست به موضوعاتی پرداخته شود که هیچ منفعت مالی در آن وجود ندارد. اوضاع به گونه ای است که وقتی انگلیس ها در کشور خودشان هستند، فراتر از بقالی که جای مورد نیازشان را از آنجا خریداری می کنند، نمی توانند ببینند، و به این ترتیب حاضر اند تا هر دروغی را که وزارتخانه ها و نشریات به خورد مردم می دهند، ببلعند.

در طول این مدت، آتش زیر خاکستر، و نفرتی که علیه انگلیس ها در طول جنگ تریاک افروخته شده بود، شعله فروزنده سبعتی را بر انگیخت که احتمالاً هیچ پیشنهاد صلح و دوستی نمی تواند آن را خاموش کند.

ادامه دارد